

ارتش شش گله

شیدر شش پر

(جند اول)

ستاره روشن



سرشناسه	روشن، ستاره، ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور	شبهدر شش پر «ارتش شش گله» / نویسنده ستاره روشن.
مشخصات نشر	تهران: روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۱۶ ص. پالتویی
شابک	978-964-334-743-7 دوره ۷ : 978-964-334-744-4
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :
موضوع	داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	persian fiction--20th century :
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ش ۴۸۳ و / PIR ۸۳۴۵ :
رده‌بندی دیویی	۸۴۳/۶۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۶۹۲۹۸۲۹ :



شبهدر شش پر

ارتش شش گله (جلد اول)

ستاره روشن

طرح جلد: هادی عباس‌خانی

طراح نقشه: محمدعلی محمدی

حروف‌نگار: شاهیده روشن

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: دفتر فنی دانشجو

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، واحد ۳

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰-۸۸۸۵۳۶۳۱

نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

telegram.me/rowzanehnashr

rowzanehnashr

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۴۳-۷

ISBN: 978-964-334-743-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۴۴-۴

ISBN: 978-964-334-744-4

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	فصل اول: من یک احمق نیستم
۱۵	فصل دوم: کاش احمق بودم
۲۱	فصل سوم: زندگی عادی با پنیر اضافه
۲۷	فصل چهارم: من موش نمی خورم
۳۷	فصل پنجم: سرزمین اشباح آنتن نمی دهد
۴۸	فصل ششم: سرزمین پریان و جنگل های اطراف
۵۷	فصل هفتم: مرغ پنیری و کلی در در
۶۳	فصل هشتم: اندوه سینوره
۸۱	فصل نهم: فعلا برای مردن وقت نداریم
۹۷	فصل دهم: شبدر شش پر
۱۱۳	فصل یازدهم: کوهستان مه آلود
۱۲۹	فصل دوازدهم: تاریکی
۱۳۷	فصل سیزدهم: من یک تصمیم خوشمزه نیستم
۱۴۷	فصل چهاردهم: شورای عالی

۱۶۱	فصل پانزدهم: شش گله
۱۷۳	فصل شانزدهم: پیشگویی
۱۸۷	فصل هفدهم: هیچوقت یک ساحر را عصبانی نکنید
۱۹۹	فصل هجدهم: فریاد تابلوها
۲۰۹	فصل نوزدهم: ارتش شش گله

مقدمه

نه، نه صبر کنید. لطفاً ورق بزنید. فکر می‌کنم حق دارید بدانید بعد از خواندن این کتاب چه اتفاقی ممکن است برایتان بیفتد یا اینکه قرار است به کجا بروید؟ راستش سفر نه بسیار طولانی خواهد بود و چه کسی با دانستن اتفاقات آخر سفر حاضر به گذاشتن در یک ماجراجویی می‌شود؟ خوب پس شاید بهتر باشد ورق بزنید اما به شما قول می‌دهم در پایان این کتاب شما دیگر همان کسی که بار اولین بار این ورق را خواندید نخواهید بود. حتماً فکر می‌کنید که این یک کتاب جادویی است، آه معلوم است که اینطور نیست. من یک راوی هستم نه یک جادوگر، خوب شاید هم یک نیمه جادوگر باشم و غیبت‌ها هم قول بدهم که این کتاب هم بطور کلی جادویی نباشد. آه خدای من بزودی خواهید فهمید، پس بهتر است به جای صحبت‌های من کتاب را بخوانید. بله بله چه کسی از زیاد حرف شنیدن خوشش می‌آید؟ بیایید و در کنار من بنشینید چون می‌خواهم برایتان یک قصه تعریف

کنم؛ قصه‌ای که میلیون‌ها بار در کنار آتش ازدهایان تعریف شده و به کمک شما در آینده هم شنیده خواهد شد، همانطور که می‌دانید دنیا به دست قصه‌ها ساخته شد و قصه‌ها کم‌کم به افسانه تبدیل گشت و وقایع زیر روزمرگی انسان‌ها در حال نابودیست ما قصه‌ها را بار دیگر زنده خواهیم کرد، خب خب شعار دادن بس است. لطفاً یک لیوان چای و شکلات هم کنار خود بگذارید. البته ربطی به ماجرا ندارد. من شکلات دوست دارم.